



سپیده پورآقایی

شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی

- تهران از نظر ترافیکی بدترین نوع ترافیک جهانی را داراست
- ادامه این وضعیت می‌تواند به استمرار فرار سرمایه‌ها و نرخ پایین رشد اقتصادی بیانجامد



اشاره:

جهان سوم با مشکلات ساختاری بسیاری مواجه است که این مشکلات موجب گردیده کشورهای این منطقه از کورس رقابت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی با دیگر نقاط جهان عقب بمانند.

در رابطه با وضعیت کشورهای جهان سوم معمولاً سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گزارش‌ها و تحلیل‌هایی ارائه می‌دهند که ممکن است با واقعیات منطبق نباشد. آنچه در زیر می‌آید شاخص‌های حکمرانی در سال ۲۰۰۲ می‌باشد که توسط بانک اطلاعاتی بانک جهانی ارائه شده است. ممکن است آنچه در این طرح ارائه شده مورد موافقت و تایید نباشد. لذا صرفاً برای اطلاع، اقدام به درج آن کرده‌ایم.

که از سوی بانک اطلاعاتی بانک جهانی، در مورد ۶ شاخص حکمرانی در پایان سال ۲۰۰۲ ارائه گردیده و موضوع اصلی این نوشتار می‌باشد، نگاهی کوتاه و بسیار اجمالی به معضلات ساختاری جهان سوم، چه در بخش سیاسی و چه اقتصادی بیندازم.

مشکلات ساختاری جهان سوم

می‌بخت توسعه در نظام بین‌الملل در عصر کنونی اجتناب‌ناپذیر، انکارناپذیر و جزو اهداف عمومی کشورهاست. هر چند بهره‌برداری فرهنگی، ملی و

بسیار دیده‌ایم که اغلب مردم و حتی صاحب‌نظران در بحث و گفتگوهایی که با یکدیگر پیرامون مسایل و معضلات عدیده کشور انجام می‌دهند، به منظور تاکید هر چه بیشتر بر مستدل بودن گفته‌ها و ادعاهای خود، بارها و بارها دست به دامن مقایسه‌های آماری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین ایران به عنوان یک کشور جهان سوم و کشورهای پیشرفته می‌زنند. توجه به همین موضوع، نگارنده را بر آن داشت تا پیش از بررسی و تحلیل داده‌های آماری

مملکتی از توسعه، تابع ارزش‌های کلی جامعه است و اگر ما توسعه را محرک ارتقاء و رفاه نسبی جامعه تعریف نمائیم، در واقع توسعه از ارکان ثابتی برخوردار است. به عبارت دیگر، توسعه عمومی یک جامعه ملاکهای روشن و علمی دارد که هر سیستم به تناسب فرهنگ، ارزشها و بافت داخلی خود می‌تواند آنها را به کار گیرد و پایه سیر تکاملی جامعه خود قرار دهد. اگر توسعه از این منظر دیده شود و تحولات نظام بین‌الملل در قرن بیستم را نیز مدنظر قرار دهیم آشکار خواهد شد که جهان سوم با یک سری

کل جهان سوم، روشن نبودن اهداف و منافع کلان جامعه است. تازمانی که سیر حرکت عمومی جامعه، به طور منطقی و استدلالی در میان جناح‌های نافذ هیات حاکمه بحث نشده و اجماع نظری در آن رابطه به دست نیاید، کلیه برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به مرحله اجرا در نمی‌آیند. تغییر دایمی اهداف و نهادهای نشدن آنها در میان افراد، جناحها و احزاب یا نفوذ کل جامعه را بلا تکلیف کرده و روند فعالیت و برنامه‌ریزی را مختل می‌کند.

۲- جوامع طبقه بندی شده: یکی دیگر از



مشکلات اقتصادی و سیاسی در راه تحقق اهداف رشد و توسعه پایدار مواجه است و تذکر این نکته ضروری است که جهان سوم مجموعه وسیعی از کشورها با توانایی‌ها و امکانات بالقوه و بالفعل را در بر می‌گیرد. جهان در حال توسعه از کشورهای جهان سوم که از توانایی‌های فراتری برخوردارند تشکیل شده و همچنین در برگیرنده جهان چهارم و پنجم است که از کمبود امکانات ساختاری و فقدان منابع طبیعی در رنجند. بنابراین واقع بینانه است اگر تصور کنیم که توسعه با توجه به امکانات بین‌المللی و سیر روندها در قرن جدید در کشورهای محدودی همچون خاور دور، هند، پاکستان، بجزریل، آرژانتین و چند کشور دیگر امکان پذیر شده است.

مشکلات ساختاری سیاسی

این معضلات عموماً به چهار بخش تقسیم می‌شود: ۱- منافع ملی ۲- جوامع طبقه بندی شده ۳- تحزب ۴- اصل پاسخگویی

۱- منافع ملی: یکی از مشکلات عمده در

مشکلات اجتماعی کشورهای در حال توسعه، فرهنگها و سطوح مختلف آموزشی اقشار گوناگون شهری و روستایی است که برنامه ریزی را دچار مشکل می‌سازد. زیرا این کشورها از فرهنگ یکسانی برخوردار نیستند.

۳- تحزب: سیستم حزبی، تلاقی اندیشه‌ها را ایجاد می‌کند، کار اجرایی و پدیده پیچیده تقسیم قدرت را با سهولت بیشتری به پیش می‌برد. به طوری که چرخش آزاد نخبگان با سهولت صورت می‌گیرد و اجازه و اظهار نظر به افراد مختلف داده می‌شود.

۴- اصل پاسخگویی: این اصل به معنای متعهد بودن افراد، سازمانها و مراکز تصمیم‌گیری در مقابل عملکرد و فعالیت‌های خود است. به این صورت افراد خود سر مهار شده و جلوی تک روی آنها گرفته می‌شود.

۱-۲- مشکلات ساختاری اقتصادی

این دسته نیز در چهار مورد با مشکل مواجه

است که عبارتند از: ۱- کارایی اقتصادی ۲- مطلوبیت در جلب رضایت افراد از سیستم اقتصادی ۳- دید و افق دراز مدت اقتصادی ۴- سازماندهی متناسب اقتصادی

باید ذکر شود که بیان این کلیات، در حقیقت مقدمه‌ای بود بر درک هر چه بهتر آمارهای ارائه شده از سوی بانک اطلاعاتی، بانک جهانی در مورد شاخص‌های حکمرانی برای منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، شاخص‌های کشور امارات و نیز ایران. با مشاهده این آمار و داده‌ها می‌توان چشم‌ها را به روی واقعیت‌ها گشود و تلاش برای دستیابی به شرایط بهتر را تشدید کرد.

بررسی نمودار شاخص‌های حکمرانی

شش شاخص عمده حکمرانی شامل: ۱- پاسخگویی ۲- ثبات سیاسی ۳- اثر بخشی دولت ۴- کیفیت مقررات ۵- حاکمیت قانون و ۶- کنترل فساد می‌باشد. ذکر این نکته بسیار ضروری است که بر اساس اعلام بانک جهانی هر چه این شاخص‌ها در کشوری بالاتر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار است، رشد بخش خصوصی موثرتری خواهد داشت. میزان مرگ و میر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می‌یابد. اهمیت مضاعف در این است که صاحبان سرمایه با رجوع به اطلاعات این نهاد و دیگر نهادها بین‌المللی نسبت به سرمایه‌گذاری و یا عدم سرمایه‌گذاری در کشور مذکور تصمیم می‌گیرند. البته این اطلاعات به صورت خام در جلول ارائه شده که توسط مهدی مرادی، کارشناس علوم سیاسی، به صورت نمودار درآمد، وی در گفتگویی با نگارنده، به بررسی اجمالی و تحلیلی این نمودار پرداخته که در پیش می‌آید:

۱- پاسخگویی: این اصل از نظر بانک

جهانی نشان دهنده حق اعتراض و آزادی بیان است که در این رابطه، رتبه ایران ۱۸/۲، متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا ۲۸/۶ و شاخص امارات ۳۵/۹ است. همانطور که این آمارها نشان می‌دهد، شاخص حکمرانی ایران برای پاسخگویی از متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا پایین‌تر است.

۲- ثبات سیاسی: این شاخص برای ایران

۲۵/۹، برای امارات ۸۰/۵ و برای متوسط خاورمیانه

- شمال آفریقا ۴۰/۱ است. مرادی معتقد است که ما از جهت ثبات سیاسی در سده گذشته دو کودتا و دو انقلاب را پشت سر گذاشته‌ایم، ضمن اینکه به علت‌های مختلف از جمله نبود زیر ساخت‌های مناسب سیاسی مانند احزاب که بتوانند منافع متعارض را نمایندگی کنند، فیلترینگ سیستم سیاسی باشند و مطالبات را از بدنه اجتماع به ساخت حاکمیت منتقل کنند، همیشه دچار چالشی بوده‌ایم به همین دلیل حتی از متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا هم پایین‌تر هستیم.

۳- اثر بخشی دولت : این شاخص

برای ایران ۳۹/۲، متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا ۴۹/۹ و برای امارات ۷۸/۹ می‌باشد. مرادی اظهار می‌دارد که میزان اثربخشی دولت به این معناست که دولت در ایران، یک دولت رانتیر بوده است و به دلیل اینکه بیشترین منافع اقتصادی (به دلیل تک محصولی بودن) عاید دولت می‌شده، ساخت دولت مجزا از حوزه عمومی شکل گرفته و دولت فرصتی پیدا نکرده و یا شاید لزومی ندیده تا در برابر مطالبات مردم پاسخگو باشد به همین دلیل اوج انحصارات را در فضای حاکمیت می‌بینیم که کمترین بهره‌وری و کمترین کارایی، به دلیل ساخت اقتصادی رانتیر از آن دولت شده است. در این فضا است که در واقع ایران رتبه حتی متوسط را نیز کسب نکرده اما امارات به واسطه حضور در عرصه جهانی اقتصاد الکترونیکی، وجود بازار بورس دویی که به عنوان شاخص بورس جهانی همپایه نیویورک و لندن می‌باشد، شاخص بالاتری را کسب کرده است.

۴- کیفیت مقررات: چهارمین شاخص

حکمرانی برای ایران ۸/۲، متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا ۴۴/۹، و برای امارات ۷۸/۴ در نظر گرفته شده است. مرادی اضافه می‌کند، این بدترین حالت ممکن برای ماست به طوریکه به جهت کیفیت مقررات، رتبه زیر ۱۰ را از آن خود کرده‌ایم و رتبه بسیار پایین‌تر از متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا از آن ماست. این شاخص شامل مصادیق متعددی است. به عنوان نمونه، مقررات ترافیکی شهر تهران را در نظر می‌گیریم، تهران با جمعیتی

معادل ۷ میلیون نفر و ۲ میلیون بدترین ترافیک جهانی را از آن خود کرده در حالیکه توکیو با ۳۴ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۲۵ میلیون خودرو، کمترین ترافیک جهانی را دارد. البته گذشته از نبود زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای و عدم رعایت قوانین از سوی افراد، نوع مهندسی ترافیک که از سوی راهنمایی و رانندگی ارائه می‌شود، بدترین نوع ممکن مهندسی است به طوریکه هیچ انسان منصفی استاندارد ترافیکی تهران را نمی‌پذیرد. یا در مثالی دیگر شهر لس آنجلس با مساحتی معادل تهران، در



سال ۹۰ با جمعیتی برابر جمعیت تهران فعلی و با بیش از ۱۲ میلیون خودرو، کاملاً شبیه تهران فعلی بود که به آن یک گاراژ می‌گفتند. اکنون مشکلات آنجا حل شده در حالی که همین مثال را فرانسوی‌ها برای تهران به کار می‌برند: گاراژ بزرگ تهران. نه تنها در کیفیت مقررات سیستم حمل و نقل جاده‌ای که سالانه بیشترین لطمات جانی را در بر دارد و ایران در صدر کشورهای جهان از این حیث قرار دارد، بلکه در بسیاری بخشهای دیگر نیز وضعیت به مراتب بدتر است.

۵- حاکمیت قانون: این شاخص برای ایران

۲۳/۵، متوسط خاور میانه - شمال آفریقا ۵۴/۲ و برای امارات ۸۰/۴ است. مرادی در این مورد نیز بیان می‌کند که با توجه به کیفیت مقررات و مثالهای ارائه شده، حاکمیت قانون هم وضعیتی مشابه را دارد به طوریکه قوانین در ایران علیه خود عمل می‌کند. مثل کسی که به بیماری MS مثلاً باشد. یعنی

بیماری علیه سیستم ایمنی بدن اقدام می‌کند. در واقع کشورهای جهان سوم، معضلات شبیه به این را دارند. بدان معنی که بعضی ساختها علیه دیگر ساختها عمل می‌کند. به طور مثال ساخت آموزشی علیه نهاد خانواده عمل می‌کند. خانواده علیه ساخت مدیریت جامعه و به همین طریق ساخت حاکمیت نسبت به ساخت جهانی سمپاتی دارد. از همین روست که نهادهای موازی در چنین جامعه‌ای، امری طبیعی محسوب می‌شود.

۶- کنترل فساد: این شاخص برای ایران

۴۴/۳، متوسط خاورمیانه - شمال آفریقا ۵۴/۷ و برای امارات ۸۴ می‌باشد. مرادی برای توضیح این شاخص مثال می‌آورد که در دنیای جدید سیستم‌های حساسی در دقتی به جهت پولی و مالی وجود دارد که هم تسهیل کننده است و هم پاسخگو ولی در کشورهای جهان سوم به دلیل ساخت سنتی که دارند، هرگز نهاد مسوول و ذیربط با در اختیار داشتن امکانات قانونی، هیچگونه امکان حساسی پیدا نمی‌کند. بافت سنتی، سیستم عشیره‌ای و فضاهای مدیریتی خانوادگی، اجازه چنین نظارتی را نمی‌دهد. در نتیجه کلیه نهادهای نظارتی

به گونه‌ای کجدار و مریز رفتار می‌کنند.

نگارنده معتقد است که مجموعه این آمارها نشان می‌دهد که سیستم حاکم، زیر مجموعه‌های آن و گروهها و اقشار مختلف باید عزمی جدی داشته باشند تا هر شش شاخص عمده حکمرانی از نظر بانگ جهانی ارتقاء یابد، در غیر اینصورت ما شاهد ادامه فرار سرمایه، نرخ پایین رشد اقتصادی، ضعف بخش خصوصی و ناکار آمدی نهادهای آموزشی و بهداشتی خواهیم بود. از سوی دیگر، برآزنده کشور ایران با سابقه تمدن چندین هزار ساله نیست که شاخص‌های حکمرانی در آن، در مقایسه با کشور بسیار نوپای امارات، تا این حد پایین باشد، ضمن اینکه حتی در مقایسه با شاخص خاورمیانه - شمال آفریقا، از استاندارد بسیار پایینی برخورداریم. حال چنانچه از این منطقه فراتر رویم، در مقایسه‌ای کلی با کشورهای جنوب شرقی آسیا، اروپا، آمریکای لاتین و ژاپن وضعیت بسیار اسف انگیزتر خواهد بود.